

گوساله‌ای دیگر از سامری

حمیدرضا آژیر^۱

خردمندان و دیده‌وران ساحت بشری از هر فرقه و فئه‌ای به هرگونه ارزش‌شکنی و دامن‌آلایی می‌تازند و از پلیدی و پلشتی‌های بی‌پایه و بی‌بنیاد که جز گزند رساندن به پیکره پاک انسان آهنگی ندارد دامن فراهم می‌آورند؛ زیرا خرد، دانش، آگاهی و نکته‌سنجی تنها آموزه‌ای را می‌پذیرد که مبانی آن با داده‌ها، همسانی و هم‌سنخی داشته باشد و بر این اساس اگر ادعایی پیش نهاده شود که از جامه زیبای استدلال برهنه باشد به تن‌فروشی نسبت داده می‌شود و در کنار دیگر مقوله‌هایی می‌نهندش که جز بدین کار نیاید.

به راستی سوگی از این کلان‌تر که در بازار جاهلیت قرن بیست و یکم کالایی به فروش نهاده شود که باید عین پلیدی و ذات ناپاکی و ناراستی دانستش! چگونه می‌شود در نقطه‌ای از کره ارض، مظهر ارز و ارزندگی و برومندی و برازندگی و خجستگی و برجستگی به باد سموم زشت‌گویی گرفتار آید و باز در زمین، از سختگی و ساختگی، سخن سازند؛ مگر بینش بشری بار سنگین چنین فساد فراگیری را به دوش تواند کشید یا چشم چشمه زلال حقیقت از باراندن سرشک، دست خواهد شست.

دیدیم و شنیدیم که باز، دجالان ارزش‌ستیز برزن رهنان کوشیدند تا به نارادی و نامردمی دشنه بر پیکر مردی زنند که آب، پاکی از او می‌گیرد و گلاب، خوشبویه از او می‌ستاند و مس وجود دیگران در نیم‌نگاهی از او زرین می‌گردد و در یک سخن، خیمه‌گاه خوبی و پرده‌سرای پاکی سالاری ندارد جز او و گنجخانه‌گوهرهای آن سرایی

۱. بنیاد پژوهش‌های اسلامی - مدیر گروه ترجمه عربی.

را گنجوری نیست مگر او، همو که چکامه دلربای هستی را سرود و قبای آدمیت بر پیکر بشر کشید و زنجیره ضلالت را به سلسله هدایت بدل کرد و دوستان بیدادی را به درختستان دادگری و جوئیبار کین و کین‌کشی را از مسیر ناکجاآباد به اقیانوس عالم‌نوش مهر و دوستی آورد.

چه نیکو گفته‌اند که اگر اندکی پلیدی در اقیانوسی فکنند نه تنها هیچ پلیدی بدان نرسد که پاکی، آن را در آغوش می‌گیرد، چنان که دیدیم جرعه این جسارت جز خرمن هستی کسانی را سوخت که می‌انگاشتند از این کار کور ترفی می‌بندند و سودی می‌ستانند، لیک با بیهتی کافرانه - فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ - همایشی جهانی را به نظاره نشستند که آتش در نیستان فرییشان فکند و شهد را در کامشان شرنگ کرد و از آرامستان دیروز به گورستان دهشت‌زایی کشیدشان که بغض هراس در گلو، خفته یافتند.

بی‌هیچ گمانی در پیش گرفتن ادبیات ناسزاگویی و جسارت به ساحت پاک پاکان و پیمبران جز افزودن بر آتشی نیست که در جان این دین‌ستیزان و خداگریزان افتاده، خاصه آنکه این ژاژخایی و بیهوده‌گویی رو به سوی پیمبری دارد که نزدیک به دو میلیارد دل‌باخته و دل‌سپرده دارد که نشستن گردی بر دامان مطهرش را بر نمی‌تابند.

فرجام سخن اینکه سلسله جنبانان این حرکت شرم‌آور برای چندمین بار دریافتند که برای کوچک‌ترین حرکت ابلهانه‌ای از این دست باید هزینه‌ای گزاف پردازند و برای فرو نشاندن آتش چنین خشمی جهان‌افروز، بر خویش نفرین فرستند و از کرده خود انگشت پشیمانی به دندان گزند.

باشد که پرداخت این هزینه هنگفت و دریده شدن پرده حرمت این زشت‌گویان، مایه آن گردد که دیگر بار این آموزده را نیازمایند که «مَنْ جَرَّبَ الْمُجْرَبَ حَلَّتْ بِهِ النَّدَامَةُ».